اخبار

جشن همگانی در راه است

مجید قیصری مجموعه داستان تازه‌ای را با عنوان «جشن همگانی» نوشت. به گزارش مهر، مجید قیصری مجموعه داستان تازه‌ای را برای انتشار در اختیار نشر افق قرار داده است. این کتاب که عنوان «جشن همگانی» را بر خود دارد برای کسب مجوز انتشار از سوی ناشر در اختیار اداره کتاب قرار گرفته است. قیصری در این کتاب مجموعه‌ای از تازه‌ترین داستان‌های کوتاه خود را که با تمی اجتماعی تالیف شده گردآوری کرده است. قیصری بتازگی نیز فیلمنامه تازه‌ترین اثر سینمایی همایون اسعدیان با عنوان «یک روز بخصوص» را نوشته که مراحل فیلمبرداری آن به پایان رسیده است.

■■■

درخواست کتابخانه ملی از سازمان زیباسازی:

غلط‌ها را اصلاح کنید

روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران اطلاعیه‌ای را درباره تصاویر مربوط به غلط‌های املایی ماکت‌های نصب‌شده در ابتدای بلوار این کتابخانه منتشر کرد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، در این اطلاعیه آمده است: پیرو انعکاس گسترده غلط‌های املایی و محتوایی مربوط به ماکت کتاب‌های نصب‌شده در ابتدای بلوار کتابخانه ملی ایران در بزرگراه شهید حقانی در رسانه‌ها و فضای مجازی به اطلاع می‌رساند این ابتکار که در جای خود قابل تقدیر و تحسین است توسط سازمان زیباسازی شهر تهران انجام شده و غلط‌های آن بارها در قالب تماس، پیام و مکاتبه رسمی به این سازمان منعکس شده است. انتظار می‌رود سازمان زیباسازی که یک‌سال اخیر توجه ویژه‌ای به فرهنگ و هنر و ترویج آن در شهر داشته، با قید فوریت نسبت به بازنگری در این اثر اقدام کند.

■■■

ثبت‌نام گروه‌های تئاتر مساجد در سوگواره «خمسه»

گروه‌های تئاتر مساجد می‌توانند با تکمیل فرم در سوگواره خمسه ثبت‌نام کنند. به گزارش تسنیم، فراخوان بخش تئاتر مسجد سوگواره «خمسه» منتشر شد. این بخش که با مشارکت دفتر تئاتر مردمی بچه‌های مسجد حوزه هنری قرار است برگزار شود فرمی برای ثبت‌نام گروه‌ها در نظر گرفته است که در ادامه منتشر می‌شود. بخش تئاتر مساجد سومین سوگواره خمسه با مشارکت دفتر تئاتر مردمی بچه‌های مسجد مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. متقاضیان با تکمیل و ارسال فرم مربوط می‌توانند در این بخش شرکت کنند. ارسال مدارک و فرم ثبت‌نام از طریق پست الکترونیک hamseh.teatr@gmail.com یا ارسال به نشانی دبیرخانه در شهرک قدس، خیابان ایران‌زمین شمالی، فرهنگسرای ابن‌سینا، دبیرخانه سوگواره هنرهای نمایشی و آیین‌های مذهبی خمسه؛ میسر است. شماره ۸۸۳۶۳۰۳۲ نیز برای تماس تلفنی با این دبیرخانه در نظر گرفته شده است.

■■■

پیشتازی بازی تاج و تخت در اسکار تلویزیون

شصت‌وهشتمین دوره اهدای جوایز امی که به بهترین اثر تلویزیونی سال تعلق می‌گیرد و به عنوان اسکار تلویزیون شناخته می‌شود، نامزدهایش را معرفی کرد. به گزارش مهر به نقل از ورایتی، با اعلام اسامی نامزدهای این دوره، بیشترین تعداد نامزدی به فصل ششم درام «بازی تاج و تخت» از شبکه اچ‌بی‌او تعلق گرفت. جایزه امی که از سوی آکادمی علوم و هنرهای تلویزیونی تلویزیون اهدا می‌شود، دیشب پنجشنبه‌شب نامزدهای ۲۰۱۶ خود را معرفی کرد. هر چند در این میان اسامی سریال‌هایی چون «بازی تاج و تخت»، «خانواده مدرن» و همچنین جولیا لوییس دریفوس بازیگر در چند دوره اخیر بارها تکرار شده است اما برنامه‌هایی جدید نیز به این فهرست راه یافته که برنامه خانوادگی «مردم در برابر اوجی‌سیمپسون»، «ریشه‌ها» و «فارگو» از جمله آنها است. در هر حال درام خیالی و اسطوره‌ای «بازی تاج و تخت» در حالی نامزد دریافت ۲۳ جایزه شده که نتوانست به رکورد سال پیش خودش با نامزدی در ۲۴ رشته برسد. اسامی برنده‌ها ۱۸ سپتامبر (دوشنبه ۲۹ شهریور) اعلام می‌شود. امسال جیمی کیمل مجری و کمدین برای اجرای این مراسم انتخاب شده است.

نگاهی به فیلم در حال اکران رضا عطاران

دراکولایی قلابی!

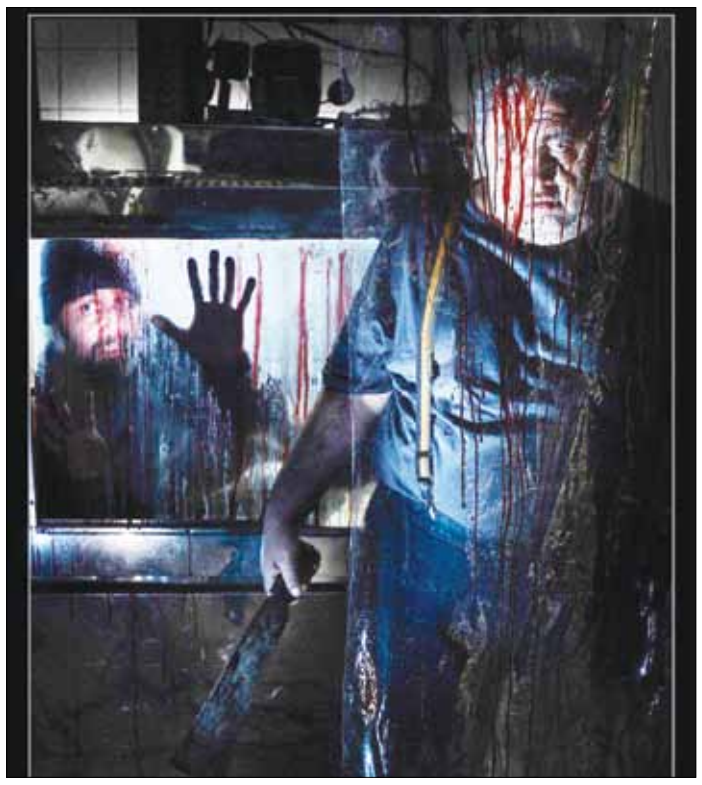

مرتضی اسماعیل‌دوست: شاید اگر برام استوکر، نویسنده ایرلندی‌الاصل داستان «دراکولا» می‌دانست در قرن بیست و یکم، «عطاران» نامی در ایران تصویر کاملا مخدوشی از کاراکتر ساخته شده‌اش خواهد داشت، در نگارش این اثر ادبی برجسته اندکی تردید می‌داشت! اما از شوخی گذشته حداقل تصوری که از ساخته‌ای با عنوان دراکولا می‌رود این است که فیلم از این عنصر محوری در روایت خود بهره بگیرد اما به واقع اگر این عنوان و شخصیت‌های به ظاهر دراکولایی‌اش را از فیلم «دراکولا»ی عطاران برداشته و خانواده‌ای از طبقه متوسط تهران را جایگزین آن کنیم، هیچ تفاوتی در «دراکولا» ی عطاران نخواهد داشت. از این نظر جدا از چند کاسه خون موجود در یک انباری که ظاهرا قربانگاه طعمه‌ها باید تصور شود! و چند دندان بلندبالا در قاب عکس‌های اجداد جناب دراکولای فیلم و چند تصویر آرشیوی از آثار شناخته شده در تاریخ سینما با مضمون «دراکولا» که نشانی شیک بر چهره فیلم دوخته‌اند، هیچ ارتباطی از فیلم ساخته شده توسط عطاران با عنوان «دراکولا» نمی‌توان یافت. از این حیث اولین آتش خاموش شده از تماشا با این نگره دورنمای نویسنده و کارگردان از آثاری با مایه‌های خون‌آشام چنانکه در ساخته‌هایی بسیار از سینمای هالیوود با عنوان آثار Vampire شناخته می‌شود، رخ می‌دهد. از این رو مشخص است دراکولا بودن شخصیت اصلی فیلم در واقع تصوری دورمانده نزد فیلمساز بوده تا به دنبال نگاهی دیگر و در نقد مسائل اجتماعی باشد؛ جامعه‌ای غرق در اعتیاد از انواع مختلف مواد مخدر تا بازی‌ها و شبکه‌های اجتماعی که حتی از دیدگاه دراکولای فیلم وضعیتی وخیم‌تر از خون‌آشامان تاریخ داشته‌اند! و در این بین پیام‌های بیهوده‌ای چون گوشتخوار بودن آدم‌ها و سر بریدن انسان‌ها در جهان و از این دست دیالوگ‌های شعاری راهی برای اشغال زمان فیلم شده است. در واقع رضا عطاران با این تصور که حضورش در هر فیلم می‌تواند به منزله فروش آن اثر تلقی شود، قید توجه به فیلمنامه‌نگاری و معماری روایت در فیلم «دراکولا» را زده و تنها می‌خواسته در یک دورهمی از جنس «ردکارپت» و چند شوخی معمول با بنگی‌ها، گیشه فروش را از آن خود کند. از سویی تجربیات گذشته عطاران در مقام نویسندگی آثارش نشان داده که اصولا وی شناخت و احاطه‌ای به مقوله فیلمنامه‌نویسی ندارد و در واقع با نگارش آثارش، شکستی از پیش تعیین شده را در هنر سینما برای خود فراهم می‌کند و از این حیث، فیلم «دراکولا» از آن دست آثاری است که منتقد رغبتی برای نگارش مطلبی از سر ذوق برایش نخواهد داشت، چرا که نکته‌ای برای تمرکزی سینمایی در این اثر وجود ندارد و عدم وجود زبان سینما منجر به عدم مواجهه‌های فنی با درون مایه و ذات اثر خواهد شد. در این میان حضور لوون هفتوان به عنوان بازیگر کاراکتر دراکولا در این فیلم ادامه‌ای از انتخاب‌های اشتباه این بازیگر تواناست. دراکولای فیلم عطاران هیچ نسبتی با قصه گوتیک و دلهره‌آور این شخصیت پرطرفدار در ادبیات داستانی و در آثار سینمایی ندارد؛ آثاری تماشایی که نمونه‌ای موفق از آن را در فیلم ساخته شده توسط فرانسیس فورد کوپولا با نام «دراکولای برام استوکر» دیده بودیم و جیم جارموش، نمونه موخر و قابل توجهی از زیست خون‌آشام‌ها را در سال ۲۰۱۳ در فیلم «تنها عشاق زنده ماندند» به تصویر درآورد. اما نسخه ایرانی «دراکولا» غرق در دنیای اعتیاد است و نویسنده و کارگردان به شوخی‌هایی تکراری با کاراکتر آشنای معتاد مانند چرت زدن، خماری، کشیدن مواد، ترک اعتیاد و... بسنده می‌کند تا این نگاه را به شکلی زبون چنین به مخاطب منتقل کند که درد اعتیاد از زخم خون‌آشام هم دردناک‌تر است، هر چند پرداخت عطاران در نهایت تبدیل به نمایه‌ای آموزشی برای استعمال انواع مواد مخدر شده است! فیلم «دراکولا» در همان نگاه اول و پس از لو رفتن ماهیت دراکولا تمام می‌شود، چرا که نویسنده توانی برای گسترش طرح یک خطی اولیه فیلمنامه ندارد و عدم بهره‌مندی از عناصر روایت‌پردازی چه به عنوان بهره‌مندی از عناصر پیش برنده فیلمنامه و چه به منزله بهره‌گیری از عناصر جانبی روایت موجب ایستایی روایت در فیلمنامه شده است. همچنین فقدان روند حرکتی داستان و عدم توجه به علیت، زمان و فضا در فیلم «دراکولا» موجب عدم تحرک در روند تکاملی شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و گسستی بسیار در ایجاد ارتباط میان پرده‌های اول و دوم فیلمنامه شده و در نهایت رفتاری که می‌توانست در همان ابتدای فیلم و پس از زندانی کردن کاراکتر رضا عطاران توسط خون‌آشام انجام شود، به سکانس پایانی منتقل می‌شود تا تصمیم دراکولا مبنی بر خون‌آشام بودن شاید مسیری برای عطاران جهت ساخت دنباله‌ای برای فیلم «دراکولا» شود! فیلم «دراکولا» به دلیل فقدان هرگونه طرح مشخص در پیشبرد روایت در تمام دقایق درجا می‌زند و هیچ چالشی برای مخاطب مشتاق نمی‌آفریند، حتی خبری از شوخی‌های گذشته عطاران در مقام بازیگر و کارگردان هم نیست و تنها شوخی دم‌دستی با شلوار! به عنوان میراث شوخی‌هایی سخیف برای عطاران در این فیلم به جا مانده است و با این چنین اثر بی‌سروسامانی، آقای بازیگر باید زنگ خطری بلند را مبنی بر بیدار شدن از توهم پیش‌فروش بودن فیلم‌هایش بشنود.

ادبیات

در آیین بزرگداشت مهدی آذریزدی مطرح شد

در و دیوار خانه «آذریزدی» هم سرشار از سخن است

آیین بزرگداشت مهدی آذریزدی با حضور مصطفی رحماندوست، قاسمعلی فراست، جواد محقق، جواد جزینی، محمدمهدی رسولی، محمدعلی گودینی، محمد عزیزی، علی‌الله سلیمی و شماری دیگر از نویسندگان برتر، در «محفل انس» برگزار شد. به گزارش تسنیم، قاسمعلی فراست در این مراسم به افرادی اشاره کرد که از چهره‌های شاخص در حوزه‌های مختلف هستند اما کمتر کسی آنها را می‌شناسد و گفت: براین اساس چندسال پیش برآن شدیم تا سراغ این افراد برویم و مستندی از زندگی و فعالیت‌های آنها تهیه کنیم. یکی از این افراد مهدی آذریزدی بود اما وقتی به او رسیدیم احساس کردیم ساختن یک فیلم مستند از او کافی نیست و بهتر است یک فیلم داستانی درباره او بسازیم و برای این کار نیاز به فردی یزدی داشتیم که به خوبی یزد و آذریزدی را بشناسد. آقای بحری را انتخاب کردیم که با ما همکاری کند و به این ترتیب فیلمی از زندگی وی با عنوان «پدری خوب برای بچه‌های خوب» ساختیم. وی ادامه داد: فکر می‌کنم اغلب افراد مهدی آذریزدی را فقط براساس مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب می‌شناسند در حالی که در و دیوار خانه و زندگی او سرشار از حرف و سخن و نکته‌های آموزنده برای انسان است. به گفته فراست، مهدی آذریزدی و محمود گلاب‌دره‌ای دو نویسنده‌ای هستند که علاوه بر اینکه سختی‌های ادبیات را کشیدند، در زندگی شخصی‌شان هم سختی‌های زیادی را متحمل شدند چون می‌خواستند به نوع خاصی زندگی کنند. مصطفی رحماندوست نیز در این محفل با اشاره به سابقه آشنایی خود با مهدی آذریزدی به مناسبت اولین سمینار کودک و نوجوان در ایران در اوایل انقلاب گفت: در آن زمان هنوز آذریزدی را ندیده بودم اما تلفنی با او قرار گذاشتم. او در آن زمان ساکن طبقه دوم کتابفروشی اشراقی بود. قرارمان میدان انقلاب بود؛ نه او مرا دیده بود، نه من او را. اما از دستمال یزدی‌اش او را شناختم، به اسم صدایش زدم و این آغازی شد برای دوستی‌هایمان. این شاعر و نویسنده تاکید کرد: آذریزدی اهل رفت و آمد نبود. یکبار قصد کردم او را در یزد ببینم. حسین مصرت که واسط ما بود، گفت: او کسی را به خانه راه نمی‌دهد حتی دق‌الباب را نیز برداشته است. به آنجا رفتیم و من با سنگ آنقدر به در کوبیدم که به ناچار در را باز کرد. حسین عصبانی بود. در ساختمانی که خودش یک دنیا حرف بود دست او را گرفتم و او را به سمت کوچه کشاندم و گفتم: ببین اسم این کوچه «آذریزدی» است. همه به تو فکر می‌کنند. گفت: چه فایده من بچه‌ای ندارم که بتوانم این پلاک را به او نشان بدهم. حتی زنی ندارم که بتوانم گاهی با او دعوا کنم و... مسائلی که هرگز به کسی نگفتیم اما کتاب «تو ای پری کجایی» من تا حدودی نشان از حال و هوای مهدی آذریزدی در آن دیدار دارد.

نقد کتاب

نگاهی به رمان «سگ‌سالی» نوشته بلقیس سلیمانی

قهرمانی که خیال می‌کند قهرمان است

احسان عابدی: «سگ‌سالی» را بلقیس سلیمانی در زمستان سال ۹۲ منتشر کرد. ابتدا نشر زاوش ۲ بار و سپس نشر چشمه چاپ‌های سوم و چهارمش را روانه بازار نشر کردند. مجموع تیراژ سگ‌سالی، ۷ هزار نسخه است که اگرچه عدد قابل ملاحظه‌ای نیست اما در این اوضاع و احوال کتاب نخواندن مردم ما و روزگار انتشار کتاب‌هایی با تیراژ ۵۰۰ نسخه، تیراژی امید دهنده است.

■ **خلاصه داستان**

جوانی روستایی به نام «قلندر» دانشجوی دانشگاه تهران است و سمپات سازمان مجاهدین خلق شده است. پس از حوادثی که در سال ۶۰ اتفاق می‌افتد، با این توهم که می‌خواهند دستگیرش کنند، برای دور ماندن از دست پاسداران به روستای خود در یکی از استان‌های شرقی کشور پناه می‌برد و شبانه وارد خانه شده و با راهنمایی پدرش خود را در طویله گوسفندان پنهان می‌کند تا آب‌ها از آسیاب بیفتد و نظام سرنگون شود و دوستان سازمانی‌اش او را نجات دهند. پنهان شدن قلندر ۲۴ سال به طول می‌انجامد و طی این سال‌ها اتفاقاتی برای او و خانواده‌اش می‌افتد و....

■ **سوژه کهنه اما نو**

مخفی شدن چندین ساله یک نفر در خانه خود را قبلاً در داستان بلند «طناب‌کشی» مجید قیصری خوانده‌ایم. مسخ شدن و بی‌عملی طولانی‌مدت شخصیت را هم در داستان مشهور «مسخ» کافکا از نظر گذرانده‌ایم و از این منظر، سوژه سگ‌سالی را می‌توان کهنه و استفاده شده دانست اما اینکه شخصیت اصلی یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق باشد و ۲۴ سال با توهم «مهم بودن» و احتمال اعدام توسط حکومت در طویله مخفی شود، سوژه‌ای نو و بدیع است. اگرچه نویسنده خلق سوژه نکرده باشد و بنا به گفته خودش، سوژه را از یک کارگردان گرفته باشد.

■ **نگارشی شتابزده و بی‌حوصله**

قبل از ورود به محتوای رمان باید اشاره کرد که شتابزدگی نویسنده در حین نوشتن داستان واضح است. سلیمانی گویا حوصله‌ای برای باز کردن و گسترش داستانش نداشته و به‌رغم قلم توانای خود، سر و ته داستان را بند آورده است. هرچند داستان پیش روی ما ارزش داستانی و پرداخت هنرمندانه نویسنده را منتقل می‌کند اما می‌شد با حوصله، زوایای دیگری به رمان بخشید و این موضوع ناب و جذاب را گسترده‌تر کرد. سلیمانی در نشستی در پاسخ به این انتقاد می‌گوید: «من به عنوان یک نویسنده خودم را اجتماعی‌نگار می‌پندارم و توانایی ورود به ذهن کسی را ندارم. ریتم تند و ایجاز سگ‌سالی هم بر این مبنا شکل گرفت». این اظهارنظر نویسنده قدری قابل تامل است! چرا که نوع روایت سگ‌سالی به گونه‌ای است که بیشتر از زاویه دید و نگرش شخصیت اصلی سخن گفته شده و اگرچه راوی داستان، دانای کل است اما زاویه دیدش را با زاویه دید قلندر یکی می‌کند و احساسات و برداشت‌های او را روی کاغذ می‌آورد. پس سلیمانی توانایی ورود به ذهن شخصیتش را داشته و این قابل انکار نیست. از سویی، اگر سلیمانی ادعا کند که به ذهن شخصیتش ورود نداشته، باید بپذیریم که وقتی پاسداران «۴ تا دانش‌آموز ترک تحصیلکرده و عقده‌ای» خوانده می‌شوند(صفحه ۲۳) و از نیروهای مردمی بسیج با عنوان «مزدوران رژیم» یاد می‌شود (صفحه ۵۹)، ذهنیت قلندر نیست و دیدگاه اجتماعی بلقیس سلیمانی است و این، داستان سگ‌سالی را جور دیگری نشان خواهد داد. اما نیازی به این برداشت نیست، چرا که مشخص است نویسنده با ذهنیت شخصیت داستانش این تعابیر را به کار می‌برد. بنابراین یا در گسترش ذهنیت شخصیت داستانش موفق نبوده یا شتابزده منتظر پایان داستان بوده است. به نظر می‌رسد ذهنیت و آرمان‌های سازمان‌ساخته قلندر درباره سیاست و اجتماع می‌توانست به عمق محتوایی داستان کمک و آن را جذاب‌تر کند. همچنین مواجهه بی‌احساس و کوتاه قلندر با برخی اتفاقات مهم می‌تواند دلیلی بر شتابزدگی نویسنده باشد. به عنوان مثال، شبی که انگشتر نامزدی‌اش را پس می‌آورند خیلی کوتاه و در چند سطر، بدون هیچ واکنش احساسی ماجرا تمام می‌شود! حتی می‌شد اتفاقات مهم سیاسی مانند رحلت امام در امید و اضطراب قلندر بازتاب داشته باشد که نویسنده توجهی به آن نداشته است.

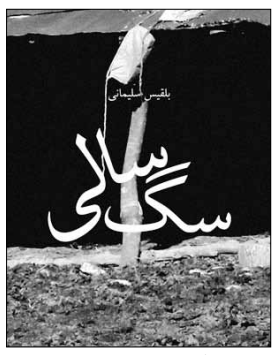

■ **مقاومت یا حماقت؟**

سگ‌سالی روایت تباهی عمر و زندگی جوان‌هایی است که گرفتار چنگال بی‌رحم سازمان مخوف مجاهدین خلق شدند و نه‌تنها خود، بلکه خانواده، اطرافیان و جامعه خود را هم به ورطه سیاهی و بدبختی کشاندند. در سگ‌سالی، قلندر فقط مسبب حبس و گرفتاری خود نیست، او اسباب رنجش چندین ساله پدر و مادرش را هم فراهم می‌کند. خواهرش را هم پاسوز خود می‌کند و از همه مهم‌تر، عمر و زندگی معشوقه و محبوبه او نیز بعد از مدت‌ها سردرگمی و حیرانی، به تباهی کشانده می‌شود و خودکشی می‌کند. علت تمام این تلخ‌کامی‌ها، قلندر جوانی است که به هر دلیلی و با هر انگیزه‌ای جذب سازمان مجاهدین خلق شده است. قلندر مانند هزاران جوان دانشجوی دیگر، سمپات سازمان است و کتاب‌ها و جزوات منافقین را خوانده و آماده «نجات خلق از ارتجاع سیاه» شده است. به او تیزبری داده‌اند تا در درگیری‌ها، مرتجعان را ناکار کند اما این جوان ساده در بزنگاه می‌ترسد و تیزبر را درون سطل آشغالی می‌اندازد و از ترس به روستای خود فرار می‌کند. در جایی از داستان، شب هنگام ۲ دزد معتاد وارد طویله می‌شوند و گوسفندی را به سرقت می‌برند و قلندر از ترس لو رفتنش اقدامی نمی‌کند و گوسفند پروار پدر پیش چشمش دزدیده می‌شود. فردا مورد سرزنش مادر واقع می‌شود که چرا هیچ خاصیتی ندارد! خواننده از خود می‌پرسد که چگونه مجاهدی که عرضه نجات گوسفندی را از دست ۲ دزد معتاد ندارد، می‌خواهد خلقی را نجات دهد؟!

قلندر به خیال خود مقاومت می‌کند. سال‌ها خود را در گودالی تنگ و تاریک در یک طویله همدم گوسفندان می‌کند تا به سازمان خیانت نکرده باشد. منتظر پیروزی مجاهدین می‌نشیند تا هر لحظه سر برسند و او را از زندان خودساخته رها کنند. غافل از اینکه رفتارش مقاومت نیست، حماقت است! و کسی نیست این حماقت را به رخ او بکشد تا پیله طویله‌ای خود را بشکند و به آغوش جامعه انسانی بازگردد. سگ‌سالی قهرمان ندارد. شخصیتی دارد که به خیال خودش قهرمان است، چون ذهن و فکرش در سازمان منافقین شست‌وشو داده شده و در افکار پوچ به سر می‌برد و ارتباطش را با مردم همنوع خود بریده است. قلندر نه یک قهرمان که یک بزدل و ترسو است. پایان‌بندی داستان نیز هنرمندانه و جالب است. وقتی قلندر بعد از ۲۴ سال ترس از چوبه‌دار، لو رفته و دستگیر می‌شود، متوجه می‌شود با تصور مسخره‌ای که سال‌ها برای خود درست کرده بوده، عمرش را تباه کرده است: «هیچ چیز آن طور که انتظار داشت پیش نرفته بود. کتکش نزده بودند. شکنجه‌اش نکرده بودند و از آن گذشته حرف‌هایش مردها را برنینگیخته بود. مردها حتی یکی، دو باری با او شوخی هم کرده بودند و خندیده بودند».(صفحه ۱۴۰) حکایت قلندر را به نوعی می‌توان نمادی از سرنوشت سازمان منافقین دانست. قلندر جوانی که آرمانش رهایی خلق است، از «مردم» می‌گریزد و به طویله گوسفندان پناه می‌برد و همدم «حیوانات» می‌شود. فرار قلندر نمادی از انتزاع سازمان منافقین از مردم است. سازمان هم ناجوانمردانه به کشوری پناه برد که کار هر روزش کشت و کشتار مردم ایران بود. آنها هم خود را در «پادگان اشرف» محبوس کردند و سال‌های سال جرأت بیرون خزیدن از آنجا را نداشتند. هزاران «قلندر» را زندانی عقاید عقب‌مانده خود کردند و هزاران «دادالله» و «ماه‌سلطان» را به داغ فرزندان‌شان نشاندند. سگ‌سالی با تمام نقاط ضعف خود، اثری درخور توجه است که با نگاهی تازه به جوانان اغفال شده توسط سازمان مجاهدین خلق می‌پردازد.

منبع: سگ‌سالی. بلقیس سلیمانی. تهران: نشر زاوش. ۱۳۹۲. ۹۲ صفحه

رویدادها

برگزاری بزرگداشت سپیده کاشانی

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به مناسبت تلاش‌های مستمر و ارزنده فرهنگی شاعر بلندآوازه و درخشان شعر انقلاب اسلامی، مرحومه سپیده کاشانی بزرگداشتی را برگزار می‌کند. به گزارش مهر، این مراسم با حضور جمعی از علما، استادان، فرهیختگان و دوستداران علم و دانش روز یکشنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۹۵ از ساعت ۱۷:۳۰ الی ۱۹:۳۰ در تالار اجتماعات شهید مطهری انجمن واقع در خیابان ولی‌عصر(عج)، پل امیر بهادر، خیابان سرلشکر علی‌اکبر بشیری، شماره ۷۱ برگزار می‌شود. سپیده کاشانی، شاعره نامدار انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۱ دار فانی را وداع گفت. از آثار منتشرشده وی می‌توان به پروانه‌های شب، هزار دامن گل سرخ، سخن آشنا، آنان که بقا را در بلا دیدند و گزیده اشعار اشاره کرد.

■■■

«سراب برجام» منتشر می‌شود

کتاب «سراب برجام» نقد و بررسی ابعاد و زوایای برجام از سوی انتشارات موسسه شهید کاظمی روانه بازار کتاب شد. به گزارش فارس، کتاب «سراب برجام»، تحلیل، نقد و بررسی برجام و ابعاد آن، در آستانه یک سالگی برجام منتشر شد. کتاب «سراب برجام» کاری از «دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی» به همت انتشارات شهید کاظمی منتشر می‌شود و دارای ۵ فصل، یک ضمیمه با بیش از ۴۰ مقاله تخصصی است که در بیش از ۷۵۰ صفحه سامان یافته است. این اثر که کتابی مرجع در زمینه نقد و بررسی برجام به شمار می‌آید و با هدف ثبت در تاریخ سیاسی کشور تدوین شده، می‌کوشد پس از گذشت یک سال از برجام، از زوایای گوناگون به آن نگاهی تخصصی داشته باشد. فصل‌های این کتاب عبارتند از: «تأملات فراتوافقی»: ۱۳ مقاله راهبردی در ارزیابی کلان برجام و تحلیل مناسبات ایران و آمریکا، «کلید نفوذ»: بیانات مقام معظم رهبری پیرامون مذاکرات هسته‌ای و برجام در ۳ سال اخیر، «در دام برجام»: تحلیل و بررسی برجام از منظر فنی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فقهی در قالب ۳۰ مقاله تخصصی از کارشناسان و متخصصان برجسته کشور، «خسارت محض»: برجام از منظر آمریکایی‌ها، حاوی مهم‌ترین اظهارات مسؤولان و تحلیلگران آمریکایی پیرامون برجام، «فرجام برجام»: بررسی فرجام برجام در قالب تحلیل‌نامه رهبری پیرامون برجام، اعترافات مسؤولان کشور به ناکامی‌ها در برجام و فهرست تفصیلی اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران پس از برجام. همچنین این کتاب دارای فصلی با عنوان «ضمیمه» است که کتابشناسی مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم در آن آمده که به معرفی بیش از ۳۰ اثر در زمینه نقد و بررسی مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم پرداخته است. براساس این گزارش کتاب «سراب برجام» بزودی طی مراسمی رونمایی خواهد شد.

■■■

رضا اسماعیلی:

جشنواره‌های ادبی مناسبت‌زده است

رضا اسماعیلی درباره جشنواره‌های ادبی گفت: جشنواره‌های ادبی ما مناسبت‌زده است. در رابطه با مناسبت‌هایی که در طول سال داریم، به بهانه مناسبت فراخوان می‌دهند. به طور طبیعی کسانی که در جشنواره‌های ادبی شرکت می‌کنند، به انگیزه جایزه دست به سرودن می‌زنند و در فرآیندی غیرطبیعی است که شعرها شکل می‌گیرد. بیشتر آثار جشنواره‌های ادبی سفارشی است. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، این شاعر با اشاره به آنکه بستری را فراهم کنیم تا افراد مستعد و باانگیزه دست به خلق و آفرینش ادبی بزنند، بیان کرد: باید آثار جشنواره‌های ادبی به طور هدفمند مورد بررسی قرار گیرد. بعد کارنامه ادبی برای آنها تشکیل شود و در دوره آموزشی شرکت کنند. نقاط قوت و ضعف آثار به صاحبان آن گوشزد شود و به بلوغ ادبی آنها کمک کند. اینکه جشنواره تنها در یک مقطع خاص برگزار شود، آسیب‌زننده خواهد بود. شعرهای زیادی درباره موضوع جشنواره سروده می‌شود اما تمام این اشعار از نظر زبانی و ساختار شبیه یکدیگر است. اگر امضای شاعر را از پایین آن برداریم، اشعار به یک گونه و لهجه سروده شده و دچار یکنواختی، تکرار و تقلید است.